مسیح ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است «ملعون است هر که بر دار آویخته شود». غلاطیان ۳: ۱۳

ما به خاطر یکدیگر وجود داریم

خدا و انسان به خاطر یکدیگر وجود دارند و هیچ‌یک بدون دیگری خرسند نمی‌شود. اگرچه خداوند در درون خود خرسند و خوشنود است ولی او با حاکمیت مطلق خود تصمیم گرفت با موجودی که خود با افتخار ساخته است، در رابطه باشد. خداوند از هر روشی استفاده کرد تا این رابطه را به دور از اجبار و فشار نگاه دارد تا به اراده آزاد انسان خدشه‌ای وارد نشود.

موضوع نجات، موضوعی بسیار پیچیده و مشکل است چون تمام زوایای مختلف کارهای خداوند را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هیچ‌یک از دستاوردها و کارهای مختلف خداوند به اندازه موضوع نجات، نیازمند به چنین دانش وسیع و جامع و چنین حکمت و قدرت روحانی‌ای نبود. خداوند برای اینکه بتواند انسان را وارد رابطه با خودش کند، می‌بایست به صورت موثر با موضوع عدالت و انصاف دست و پنجه نرم می‌کرد. او می‌بایست موضوع گناه را حل می‌کرد، با دشمن وارد صلح و آشتی می‌شد و یک یاغی عصیان‌گر را تبدیل به شخصی می‌کرد که به صورت خودخواسته از او اطاعت کند. گذشته از این‌ها، باید تمام این کارها را به نحوی انجام می‌داد که قدوسیتش مخدوش نشود.

مشکل خداوند این بود که این دو خواسته متناقض را که هر دوی آنها کاملاً آزاد هم بودند با یکدیگر هماهنگ کند. او نهایتاً با حکمت و قدرت نامحدود خود این مشکل را از طریق عمل نجات‌بخش عیسای مسیح به انجام رساند.

## ای پدر آسمانی، برای حکمت و فیض نامحدودت که با به انجام رسیدن نقشه نجات خود را نمایان ساختند سپاسگزارم. متشکرم که از طریق عمل نجات‌بخش عیسی، مرا وارد رابطه با خودت کردی. آمین

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*